

◊ نشریه علمی زن و فرهنگ

سال یازدهم، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۹۹

صفحات: ۹۳-۱۰۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۹/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۵

مقایسه امتیازات و محدودیت‌های حقوقی زنان بعد از نکاح در ایران با برخی کشورهای اسلامی

زینب السادات موسوی تبار*

سید محسن فتاحی**

چکیده

هدف از تحقیق حاضر، مقایسه امتیازات و محدودیت‌های حقوقی زنان بعد از نکاح در قوانین کشور ایران با برخی کشورهای اسلامی می‌باشد. جامعه مورد بررسی مسائل حقوقی زنان است و نمونه پژوهش امتیازات و محدودیت‌های حقوقی زنان است. طرح پژوهش توصیفی-تحلیلی بود. روش جمع آوری داده‌ها کتابخانه‌ای است. با استفاده از روش تحلیل داده‌ها و بر اساس یافته‌های این پژوهش امتیازات حقوقی زنان بعد از نکاح در ایران و برخی کشورهای اسلامی عبارت‌اند از: مهریه، اجرت‌المثل، توارث، نفقه زن، نفقه جنین، حقوق زنان در دوران بارداری و شیردهی، حق امتناع زن از ایفای وظایف زوجیت، استقلال مالی زن در نکاح، شرط برخورداری از نصف دارایی در صورت طلاق از سوی مرد، طلاق قضایی و محدودیت‌های آن‌ها شامل تمکین، ریاست مرد، اشتغال زن، تابعیت، سکونت و اجازه زن برای خروج از منزل بود.

کلید واژگان: امتیازات و محدودیت‌های حقوقی، نکاح، ایران، کشورهای اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

*دانشجوی دکتری مطالعات زنان (گرایش حقوق زن در اسلام)، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. (نویسنده مسئول،

ایمیل: z_b_2013@yahoo.com)

**استادیار گروه زن و خانواده دانشگاه ادیان و مذاهب قم، ایران. (ایمیل: mohsen.fattahi@gmail.com)

«تمام حقوق انتشار این اثر متعلق به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز می‌باشد»

مقدمه

از آن جا که در کشور ایران، اصلی‌ترین مبنای حقوقی، دین مبین اسلام می‌باشد، و در کشورهای اسلامی دیگر نیز به دلیل اشتراکات مذهبی و فرهنگی با کشور ایران، از نظر امتیازات و محدودیت‌های حقوقی زنان بعد از نکاح، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد. در ایران و سایر کشورهای اسلامی، زنان پس از ازدواج از نظر حقوقی دارای امتیازات و محدودیت‌هایی می‌شوند؛ مثلاً امتیاز طلب داشتن مهریه و محدودیت وظیفه تمکین. وضعیت مطلوب این بود که همه زنان از همه امتیازات و محدودیت‌های حقوقی خود که در اثر ازدواج برای شان پیش آمده آگاه باشند تا از این طریق هم از منافع امتیازات شان بهره‌مند شوند و هم محدودیت‌ها سبب دچار شدن آن‌ها به مشکلات نشود؛ ولی زنانی هستند که چون از حقوق قانونی خود آگاه نیستند از آن‌ها استفاده نمی‌کنند و دچار زیان می‌شوند؛ مثلاً با این که می‌توانند بابت کار در خانه حق الزحمه از شوهران شان دریافت کنند، چنین موضوعی را مطرح نمی‌کنند؛ در حالی که هیچ درآمدی دیگری ندارند که بتوانند گاهی به میل خود و برای خود در زمینه‌ای هزینه کنند. هم چنین برخی زنان از محدودیت‌هایی که با ازدواج برای شان پیش می‌آید ممکن است از ابتدا آگاه نباشند و این باعث اعتراض و درگیری خانوادگی شود. بنابراین محدودیت‌هایی برای زنان در ایران و سایر کشورهای اسلامی، بعد از نکاح وجود دارد که نیازمند تغییر و بازنگری می‌باشد، البته از طریق کسب آگاهی زنان و مطالبه حقوق شان از طریق قانون این مورد لازم است در نظر گرفته شود. هم چنین تحقیقات نشان داده است که آگاهی زنان ایرانی نسبت به حقوق مدنی خود پایین است و این مشکل اختصاص به زنان بی سواد یا کم سواد ندارد؛ حتی آگاهی زنان تحصیل کرده در این باره نیز متوسط رو به پایین است (زارعان و اردلانی، ۱۳۹۶: ۱۰۵). پژوهش و آگاهی دادن می‌تواند زمینه‌ای برای مطالبه زنان از طریق قانونی و در نهایت تغییر برخی قوانین به نفع آن‌ها باشد. هم چنین نهادها و سازمان‌هایی مانند پزشکی قانونی، زندان‌ها، دادگستری‌ها، نیروی انتظامی و... نیز درگیر این مساله هستند. بنابراین عدم آگاهی زنان از امتیازات و محدودیت‌های شان، مشکلاتی را در پی خواهد داشت اما در صورت آگاهی زنان، تعداد موارد ارجاعی به این مراکز کمتر خواهد شد. بررسی این موضوع در ایران و سایر کشورهای اسلامی نیز ضرورت دارد زیرا، از آن جا که زنان در زندگی خانوادگی رکن مهمی هستند، عدم آگاهی آنان نسبت به امتیازات خویش، احساس بی عدالتی و تبعیض را برای آنان ایجاد می‌کند و نسبت به زندگی مشترک دلسرد شده و در نهایت موجب طلاق عاطفی و یا قانونی می‌گردد. تحقیق در این موضوع در ایران و سایر کشورهای اسلامی نیز حائز اهمیت است. لذا با توجه به مطالبه‌ارایه شده هدف پژوهش حاضر مقایسه امتیازات و محدودیت‌های حقوقی زنان بعد از نکاح در ایران با برخی کشورهای اسلامی می‌باشد.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری: طرح پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. جامعه مورد بررسی مسایل حقوقی زنان است و نمونه پژوهش امتیازات و محدودیت‌های حقوقی زنان بعد از نکاح در نظر گرفته شد.

روش اجرا

برای دستیابی به هدف پژوهش از روش جمع آوری داده‌های کتابخانه‌ای و فیش‌برداری استفاده شد. و پس از معرفی اجمالی از مفاهیم اصلی این پژوهش، به کنکاش، دسته بندی و استنتاج مطالب در زمینه مقایسه امتیازات و محدودیت‌های حقوقی زنان بعد از نکاح در ایران با برخی کشورهای اسلامی پرداخته شد.

یافته‌ها

الف) امتیازات حقوقی زنان بعد از نکاح

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منزلت والایی برای زن قائل شده است و در همین ارتباط دولت را موظف نموده است حقوق زنان را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید (قانون اساسی ج. ۱، ۱۳۶۸). مزایای حقوقی زنان بعد از نکاح عبارت است از:

- نفقه:

از نظر لغوی انفاق از ریشه نفقه به معنی مصرف و بخشش است (سیاح، ۱۷۰۸، ۱۳۷۳: ۲). هم چنین نفقه به فتح نون، فاء و قاف، اسم مصدر است که مصدرش نفوق و جمع آن نفق و نفاق به معنی صرف کردن و خروج است (جزیری، ۱۴۰۶: ۴، ۵۳۳)، زیرا نفقه‌ای که مرد برای همسرش خرج می‌کند به نحوی از مال وی خارج می‌گردد. بر اساس ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی نیز نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن، از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادام در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض (اصلاحی ۱۳۸۱/۸/۱۹) (روشن، ۱۳۹۳: ۱۱۲-۱۱۴، مغنیه، ۱۴۲۰: ۳۲۳). بنابراین تعریف حقوقی هرگونه انفاق عبارت است از صرف هزینه خوراک و پوشاک و مسکن و اثاث خانه و جامع به قدر رفع حاجت و توانایی انفاق کننده (در مورد نفقه اقارب) و خوراک و پوشاک و مسکن و اثاث خانه و خادام در حدود مناسبت عرفی با وضع زوجه (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴: ۷۱۸).

پس عقد نکاح دارای آثاری است که از آن جمله می‌توان به الزام مرد به پرداخت نفقه زن اشاره نمود. نفقه از تعهدات زوج است که طبق ماده ۱۱۰۲ ق.م. با واقع شدن نکاح به طور صحیح تکلیف زوج به پرداخت نفقه زن برقرار می‌شود همان‌طور که از زمان تکلیف زن به انجام تکالیف زناشویی جاری می‌گردد. در مورد شیوه پرداخت نفقه، بسیاری فقها معتقداند از، زن حق انتخاب هریک از دو صورت زیر را دارد:

- زن نفقه‌اش را روزانه طلب کند، مرد بپردازد، و زن شخصا آن را هزینه کند.

- زوج با تامین هزینه‌های زندگی، به طور مشترک با زوجه در یک خانه زندگی کند؛ در این صورت زوجه نمی‌تواند نفقه‌اش را بطور جداگانه مطالبه کند (حلی، ۱۳۷۳: ۳۵۰، ۲).

در باره هزینه‌های زایمان اداره حقوقی قوه قضائیه معتقد بود با سکوت قانون مدنی ملزم به مراجعه به فقه هستیم و با بررسی نظرات فقهی و تأسی از عرف، هزینه زایمان را داخل در مصادیق نفقه آورده است (اسدی و شاکری، ۱۳۹۳: ۷۹-۸۱). هم چنین اگر مرد از پرداخت نفقه خودداری کند، طبق ماده ۱۱۱۱

قانون مدنی زن می‌تواند به دادگاه مراجعه و دادگاه نیز میزان نفقه را تعیین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد و ضمناً ترک انفاق از نظر کیفری جرم است و در صورت اثبات ترک انفاق، محکومیت کیفری برای زوج در پی خواهد داشت.

در عراق نیز شوهر موظف است نفقه زوجه‌اش را با رعایت شرایط سنتی مقرر تأمین نماید (دادمرزی، ۱۳۹۰: ۱۰۸). در قانون سوریه (م ۷۲ ق احوال شخصیه) و عراق (م ۲۳ ق احوال شخصیه)، نفقه را از هنگام عقد صحیح واجب می‌دانند، هر چند که زوجه در منزل پدرش ساکن باشد؛ مگر اینکه شوهر او را به منزل خویش دعوت کند و او بدون عذر شرعی امتناع ورزد. در این قانون، پرداخت نکردن مهریه و نفقه، یا فراهم نکردن منزل مناسب، در عدم انتقال به منزل شوهر، عذر شرعی محسوب می‌شود (ملک زاده، ۱۳۸۶: ۱۱۴). در لبنان، بنگلادش، مالزی و برونتی نفقه تابع مقررات سنتی است (دادمرزی، ۱۳۹۰: ۱۶۶ و ۲۳۲ و ۱۹۳ و ۲۲۰). در غنا و همچنین فیلیپین قانون جزا تکلیف به انفاق زوجه و کودکان را بر دوش شوهر قرار می‌دهد. در سنگال با آنکه نفقه به عنوان تعهد مشترک زن و شوهر در طول بقای نکاح شناخته شده است؛ ولی در اصل، تعهد به انفاق با شوهر است.

در مصر نیز استحقاق نفقه از تاریخ وقوع نکاح معتبر برقرار می‌شود، مگر آنکه زوجه کج خلقی کند، شوهر را بدون دلیل موجه از حقوق مربوط به برقراری روابط جنسی منع کند. در الجزایر شوهر موظف به تأمین نفقه از زمان وقوع عقد نکاح است؛ به شرط آنکه زوجه در منزل مشترک سکونت نماید (دادمرزی، ۱۳۹۰: ۳۴۸ و ۳۰۸).

اما در سومالیا و اندونزی زن و شوهر هر دو مکلف هستند در صورت امکان متناسب با درآمدشان هزینه‌های منزل مشترک را تقبل نمایند (دادمرزی، ۱۳۹۰: ۴۰۶ و ۱۸۷). هم‌چنین در تانزانیا نفقه زوجه یا زوجات برعهده زوج قرار دارد؛ ولی آن‌جا که زوج ناتوان است و قادر بر تأمین معاش نیست برعهده زوجه قرار می‌گیرد (دادمرزی، ۱۳۹۰: ۴۱۶-۴۱۷). در سایر کشورها نیز نفقه برعهده همسر می‌باشد. بنابراین در ایران و سایر کشورهایایی که گفته شد نفقه برعهده همسر است و خودداری زوج از دادن نفقه موجب محکومیت او می‌شود. فقط در کشور سومالیا هر دو زن و شوهر مکلف به تأمین هزینه‌های زندگی می‌باشند.

- نفقه جنین:

گاهی زوج به علت بارداری زوجه، مکلف به پرداخت نفقه است. هرگاه در چنین فرضی در خصوص شمول وجوه پرداختی در نفقه زوجه و یا هزینه نگهداری جنین اختلافی باشد، تشخیص این امر در صلاحیت دادگاه موثر است مشهور فقها نظر در اختصاص این پرداخت، به زن باردار و صاحب جواهر با تاسی از این نظر معتقد است که چنانچه نفقه را برای حمل بدانیم پس به زنی که خود مستحق نفقه می‌باشد مانند مطلقه رجعیه باید دوبار نفقه پرداخت (نجفی، ۱۳۶۲، تحقیق: محمود قوچانی، ۱۳۹۳: ۲۰۶).

قانون مدنی ایران نیز در ماده ۱۱۰۹ به گونه‌ای انشاء شده است که تعلق پرداختی به زن حامله را متعلق به خود زن می‌داند. هم‌چنین ماده ۱۱۱۰ سابق که در عده وفات به طور کلی برای زن حق نفقه قرار داده

بود، حاکی از این امر بود که نفقه ایام عده برای زن حامله است. اصلاح این ماده در سال ۱۳۸۱ و قرار دادن حق نفقه برای زوج در عده وفات بدون توجه به حامل یا غیر حامل بودن وی نیز این نظر را تقویت می‌کند. کمیسیون نیز میزان نفقه را در حدی دانسته است که سلامت زنان حامل تامین شود. ایشان علت این حکم را وابستگی سلامت جنین به سلامت زن حامله یک کرده و حکم ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی را مشتمل بر جنین نیز می‌دانند.

- مهریه:

مهر، صداق و، محله، فریضه و یا معادل فارسی آن کابین، (امامی و صفایی، ۱۳۹۶: ۱۵۶) مهریه ای است که به مناسبت عقد نکاح، شوهر به زوجه پرداخته یا ملزم به پرداخت آن می‌شود. هر چیزی که مالیت داشته و قابل تملک باشد می‌توان مهر قرار داد. با ظهور اسلام و با نزول آیه ۴ سوره نساء مهریه جهت نکاح با زن به عنوان نشان مهر، محبت، میل و رغبت و صداقت (نه به عنوان بهای وی) از جانب شوهر به زن (و نه اولیای وی) باید تسلیم شود. فلسفه چنین حکمی از جانب اسلام حفظ استقلال اجتماعی و اقتصادی زن می‌باشد (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۵۶).

به موجب ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی به مجرد عقد، مهر به مالکیت زوجه در می‌آید، این مالکیت مطلق بوده و بدون اذن شوهر و حتی قبل از قبض و اقباض امکان هر نوع تصرفی را به زوجه می‌دهد. برخلاف نظر برخی از فقها و مطابق نظر مشهور فقها (شهید ثانی، بی‌تا) و حقوقدانان آن‌چه از مهر به واسطه عقد به ملکیت زوجه در می‌آید کل مهر است (روشن، ۱۳۹۳: ۱۴۰).

- حقوق زنان در دوران بارداری و شیردهی:

قانون که در تاریخ ۷۴/۱۱/۲۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ ۷۴/۱۱/۲۷ به تایید شورای نگهبان رسیده مواردی را در جهت حمایت دولت از مادران در دوران بارداری و شیردهی مقرر داشته است (حمیدیان، ۱۳۹۰: ۱۰۲-۱۰۴).

در کشورهای اردن، لبنان، مصر و قطر نیز امتیازاتی برای زنان در دوران بارداری و شیردهی نیز لحاظ شده است.

- حق امتناع زن از ایفای وظایف زوجیت (حق حبس):

حبس در لغت در معانی مختلفی از جمله باز داشتن و ضد رها کردن به کار رفته است (قرشی، ۱۳۷۷: ۱، ۲۴۶). در عقد نکاح ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی برای زوجه حق حبس منظور شده است. یکی از حقوقی که زن قبل از تمکین دارد، حق حبس است. حق حبس عبارت است از این که زوجه تا دریافت کلیه مهریه از تمکین خودداری نماید (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱). ماده ۱۰۸۶ ق.م. بیان می‌کند: «در صورتی که زن قبل از اخذ مهریه به اختیار خود تمکین نموده باشد، حق حبس را از دست داده و باید تکالیف زناشویی خود را انجام دهد و امتناع از انجام وظایف زناشویی مسقط نفقه خواهد بود، اگر چه حق زن نسبت به مطالبه مهر ساقط نمی‌شود».

پس آیا منظور از انجام وظایف زناشویی عام است و شامل تمام وظایف مانند حسن معاشرت، اطاعت و عدم خروج از منزل بدون اذن زوج و... می‌شود یا منحصر به تمکین خاص است؟ فقها قائل به نظر دوم بوده و ارتباط با شوهر را در تحقق وظایف زناشویی کافی می‌دانند (نجفی، ۱۴۱۲: ۳، ۴۱). در عراق نیز زوجه می‌تواند پیش از واقعه در ازای هر میزان از مهریه و هزینه‌های مسلمی که توسط او به منظور وقوع ازدواج انجام پذیرفته است، تفریق قضایی را خواستار شود (دادمرزی، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

-توارث:

بر اساس ماده ۸۶۱ قانون مدنی سبب و نسب از موجبات ارث است و مطابق ماده ۹۴۹ مدنی زوجینی که زوجیت آنها دائمی بوده باشد و ممنوعیت از ارث نباشند از یکدیگر ارث می‌برند. ماده ۱۱۰۲ بیان می‌کند عقد نکاح ایجاد علقه زوجیت می‌کند و به موجب عقد نکاح رابطه توارث بین زوجین برقرار می‌شود و نیز ایجاد توارث نیازمند رابطه جنسی نمی‌باشد (روشن، ۱۳۹۳: ۱۵۴). در سوریه به هریک از همسران در حال حیات اجازه می‌دهد تا در باقی مانده دارایی همسر متوفایش از فروض سهمی شود (دادمرزی، ۱۳۹۰: ۱۰۱).

- اجرت المثل:

اگر زوجه کارهایی را که شرعا بر عهده وی نبوده به دستور زوج و با قصد عدم تبرع انجام دهد و بر دادگاه ثابت گردد، دادگاه اجرت المثل او را محاسبه و زوج را به پرداخت آن ملزم می‌کند. ولی اگر زن نتواند اجرت المثل کارهای خود را بدست آورد، دادگاه با توجه به شرایط زندگی، مبلغی از باب نحلّه برای زوجه تعیین می‌کند (صفایی، قاسم زاده، عراقی، صادقی، امامی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲۰).

- استقلال مالی زن در نکاح:

دین اسلام استقلال مالی زن را در زندگی مشترک به رسمیت شناخته است. اسلام به زن حق داده مالک شود و تحصیل ثروت کند و مرد حق ندارد در ثروتی که به او تعلق دارد تصرف کند (حمیدیان، ۱۳۹۰: ۴۳). اصل ۴۶ نیز مالکیت همه افراد، اعم از زن و مرد را به رسمیت شناخته است. ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی نیز مقرر می‌دارد: زن مستقلا می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که به خواهد انجام دهد.

پس زن در مسایل مالی و اقتصادی، استقلال و آزادی کامل دارد و می‌تواند در اموال شخصی خود هرگونه دخل و تصرفی نماید بدون آن که موافقت شوهر لازم باشد، اعم از این که آن اموال قبل از ازدواج به دست آمده باشد و یا بعد از آن (محقق داماد، ۱۳۷۴: ۳۱۷).

آیه «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء/۳۲) «برای مردان از آن چه به [اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان [نیز] از آن چه به [اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است (فولادوند، ۱۴۱۸: ۱، ۷۷۰).

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید: «اگر مرد و یا زن از راه عمل چیزی به دست می‌آورد خاص خود اوست و خدای تعالی نمی‌خواهد به بندگان خود ستم کند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۰ ه ق: ۴۳۱).

یکی از مفسرین با برداشت وسیع تری از این آیه، نسبت به آزادی زنان در اشتغال و تجارت می‌گوید: « خداوند در کسب و تجارت نسبت به سعی و کوشش هر کسی از مرد و یا زن از نعم خود عطا می‌فرماید. آیه شریفه دلیل است که زنان هم می‌توانند به تجارت مشغول شوند و هم چنین نسبت به سعی و کوشش خود از نعم الهی بهره‌مند شوند» (علوی حسینی موسوی، ترجمه صادق نوبری، ۱۳۹۶: ۳۵۲). اما در کشور مالزی دادگاه اموالی را که با تلاش مشترک زوجین در طول زندگی مشترک به دست آمده است تقسیم می‌کند (دادمرزی، ۱۳۹۰: ۲۲۱).

- شرط برخورداری از نصف دارائی در صورت طلاق از سوی مرد:

به استناد تبصره ۶۰ قانون اصلاح مقررات طلاق مصوب سال ۱۳۷۰، در صورت شرط ضمن عقد نکاح چنان چه زوج بدون دلیل موجه همسر خود را طلاق دهد باید نیمی از اموال مکتسبه پس از ازدواج و دوران زندگی مشترک را به زوجه منتقل نماید.

- طلاق قضایی:

باتوجه به این که این قسمت موارد بیشتری را به خود اختصاص می‌داد، مطالب به صورت مفصل تری بیان شده است. در طلاق قضایی بدون اینکه زوج راضی به طلاق باشد یا حضور داشته باشد حاکم شرع بنا به دلائلی و به درخواست زوجه همسر او را طلاق می‌دهد (حبیبی تبار، ۱۳۸۳: ۴۲۰). در قانون ایران طبق ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی هرگاه عقد نکاح به موجب ناتوانی و عنین مرد فسخ شود زن مستحق نصف مهریه خواهد بود. هم چنین مواردی موجب حق طلاق قضایی برای زوجه می‌شود: جنون محرز هریک از زوجین؛ خصای زوج یا ناتوانی از انجام زفاف (جنون و... شوهر از جمله این موارد است؛ خواه قبل از عقد وجود داشته باشد یا بعد از عقد به وجود آمده باشد)؛ نقضی که در زوجه مانع ارتباط گردد؛ کوری از هر دو چشم؛ ابتلای به جذام یا لنگی مفرط {اقعاد} به شرط آن که در حین عقد وجود داشته باشد؛ ترک انفاق زوج بعد از عدم اجرای حکم انفاق (خواه قادر به انفاق نباشد یا نخواهد نفقه بدهد)؛ موردی که ادامه ازدواج، موجب ورود مشکلات مسلم یا تحمیل مشقت به زوجه میشود و زوج از طلاق دادن وی امتناع می‌ورزد. هم چنین ترک انفاق زوج به هر دلیل برای مدتی بیش از شش ماه؛ سوء رفتار زوج سوء مصاحبت زوج و مانند آن که ادامه زندگی زناشویی را برای زوجه غیر ممکن کند؛ ابتلای زوج به امراض صعب‌العلاج که به حال زوجه خطر ساز باشد؛ سفاهت زوج در جایی که وفق مقررات شرع نتوان نکاح را فسخ نمود؛ بی توجهی زوج به حکم دادگاه مبنی بر پست یا مطابق شئونات نبودن شغلی که دارد؛ محکومیت زوج به پنج سال حبس و بیشتر؛ اعتیاد زوج که موجب بروز خطر برای خانواده یا عقد نکاح شود؛ ترک همسر یا رها کردن خانه مشترک برای بیش از شش ماه بدون دلیل موجه (تشخیص موجه بودن دلیل با دادگاه است)؛ محکومیت زوج به جرمی که به حیثیت و اعتبار خانواده لطمه میزند (تعریف این جرم با دادگاه است)؛ عقیم بودن شوهر برای پنج سال بعد از ازدواج یا ابتلاء زوج به امراض مسریه مقاربتی؛ ناپدید شدن شوهر برای شش ماه؛ اقدام زوج به ازدواج مجدد بدون اذن زوجه اول به شرط

آن که دادگاه احراز کند که زوج با زوجات خود رفتار عادلانه ندارد. تصنیف دارایی شوهر در جایی که دادگاه در باید طلاق به درخواست شوهر و بدون تخلف زن از ایفای وظایف زوجیت بوده است موجب طلاق قضایی می‌گردد (دادمرزی، ۱۳۹۰: ۵۸-۵۶).

در قانون اردن نیز میتوان به امور زیر اشاره کرد: ندادن نفقه، ترک جسمانی یا غیبت شوهر برای یکسال یا بیشتر، محکومیت شوهر به زندانبندی سه سال و بالاتر، عدم تفاهم و نزاع، نقض شرط ضمن عقد نکاح و دلایل مختلف مربوط به سلامت روانی و جسمی شوهر (دادمرزی، ۱۳۹۰: ۶۸).

مواد ۱۱۵ و ۱۱۲ قانون احوال شخصیه سوریه در این باره است. مطابق این مواد چنانچه یکی از زوجین ادعا نماید که زندگی وی با همسرش موجب اضرار به اوست که با وجود آن زندگی غیر قابل تحمل است، می‌تواند از قاضی تقاضای طلاق کند. اگر مدعی ضرر توانست ادعای خود را اثبات کند، دادگاه باید سعی در اصلاح و سازش بین طرفین نماید و اگر در اصلاح ذات‌البین موفق نشد، حکم طلاق به بائن صادر می‌نماید. اما در صورتی که مدعی نتواند ادعای خود را ثابت نماید، قاضی محاکمه را به مدتی که نباید از یک ماه کمتر باشد، به تأخیر می‌اندازد و طرفین را به مصالحه دعوت می‌نماید. در صورتی که مدعی در شکایت خود اصرار ورزد و حاضر به صلح و سازش نباشد، قاضی دو نفر داور از نزدیکان زوجین انتخاب می‌کند. در صورت عدم امکان، داورن از میان کسانی انتخاب می‌شوند که قاضی قدرت اصلاح و مصالحه فیما بین را در آنها ببیند. داوران سوگند یاد می‌کنند که همه تلاش خود را برای ایجاد صلح و سازش به کار گیرند (قانون احوال شخصیه سوریه، ۱۹۱۷).

در عراق نیز مواردی مانند حبس زوج برای مدت سه سال و ترک زوجه توسط زوج بدون دلیل قانونی برای دو سال و خودداری زوج از انجام موافقه طی دو سال از زمان عقد و عنن یا رنجوری زوج و عقیم بودن زوج در جاییکه زوجه از زوج پسر در قید حیاتی نداشته باشد و بیماری وخیم زوج که می‌تواند به زوجه آسیب برساند و ترک انفاق تا شصت روز و قصور زوج در دادن نفقه به جهت غیبت و ناپدید شدن یا اختفای محل سکونت شوهر یا حبس بالای یکسال و بالاخره امتناع زوج از ادای نفقه معوقه بعد از گذشت شصت روز می‌تواند موجب طلاق قضایی گردد (دادمرزی، ۱۳۹۰: ۱۰۹ و ۱۱۰). در کویت ترک انفاق از سوی شوهر و ایلا و غیبت یکسال و بیشتر شوهر بدون عذر موجه و حبس بیش از سه سال و بیشتر شوهر موجب طلاق قضایی می‌شود (دادمرزی، ۱۳۹۰: ۱۵۶).

در لبنان کوتاهی شوهر در امر زفاف و آزار شوهر به گونه‌ای که بودن زن و شوهر را در کنار هم بدون اینکه صدمه‌ای در پی داشته باشد ناممکن سازد، و جنون شوهر و کوتاهی شوهر در پرداخت نفقه و اخفای شوهر و غیبت شوهر و ناپدید شدن شوهر یا ایجاد انقطاع پی در پی در بودن کنار زوجه موجب طلاق قضایی می‌شود (دادمرزی، ۱۳۹۰: ۱۶۶).

ب) محدودیت‌های حقوقی زنان بعد از نکاح

یکی از مشکلاتی که بعد از ازدواج در زندگی زن‌اشویی برای زنان مطرح است، محدودیت‌های حقوقی آنان بعد از نکاح می‌باشد. برخی از این محدودیت‌ها عبارت است از:

- تمکین زوجه:

در لبنان، برونئی و بنگلادش تمکین تابع مقررات سنتی است. اما در برخی کشورها مانند سودان، حکم به تمکین را نمی‌توان به زور اجرا نمود یا در اردن نیز نهاد به قوت خود باقی است اما در کویت حکم به تمکین قابل اجرای اجباری نیست. بنابراین در مورد تمکین اکثر در کشورها زوجه مجبور به تمکین است اما در برخی کشورها مانند سودان و کویت تمکین قابل اجرای اجباری نیست. در اکثر کشورها شوهر رئیس خانواده است و زوجه باید از او تبعیت کند (دادمرزی، ۱۳۹۰: ۱۳۹۸، ۲۳۲، ۱۹۳، ۶۷، ۱۶۶ و ۱۵۶).

- ریاست مرد:

اساساً خانواده کانون محبت و همزیستی است و نمی‌توان رابطه رئیس و مرئوسی را به خوبی سایر گروه‌ها در آن اجرا نمود. در اغلب موارد، مرد به دلیل ویژگی‌های جسمی و روحی، دارای توانایی بیشتری برای برعهده گرفتن این مسئولیت می‌باشد. اما این ریاست را نمی‌توان در همه شئون و امور جزئی پذیرفت، شوهر باید در جهت تشدید مبانی خانواده بر اساس تفاهم و احترام متقابل عمل نماید. به استناد اصل ۴۰ قانون اساسی کشور شوهر نمی‌تواند از حقیقت سوء استفاده نماید، به علاوه سوء استفاده از این حق از مصادیق سوء رفتار است و زوجه می‌تواند به استناد بند ۴ ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و یا بند ۴ ماده ۸ قانون حقوق خانواده مصوب ۱۳۵۳ درخواست طلاق نماید. در کشور اندونزی نیز شوهر به عنوان رئیس خانواده باید از زوجه‌اش حمایت کند و امکانات مورد نظر او را متناسب با درآمدی که دارد تامین نماید (دادمرزی، ۱۳۹۰: ۱۸۷).

- تابعیت:

از جوه دیگر اعمال ریاست موضوع تابعیت است و بر همین اساس به استناد بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، تابعیت مرد ایرانی در صورت ازدواج با زن غیر ایرانی به وی تحمیل شده و قانونگذار او را تابع ایران خواهد دانست (دادمرزی، ۱۳۹۰: ۱۰۷).

- اشتغال زن:

در کشور ایران در اصل ۴۳ قانون اساسی بر تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه تصریح شده است. بنابراین معلوم می‌شود در قانون ایران رویکرد جنسیتی نسبت به اشتغال لحاظ نشده است و به صورت کامل به مساوات تصریح شده است. بنابراین طبق اصل ۲۸ قانون اساسی هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام، مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. بنابراین وقتی دو نفر با انعقاد عقد نکاح واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند باید الزامات آن را قبول و بدان ملتزم باشند و بر همین اساس است که در گام اول، زوجه با پذیرش ریاست مرد بر خانواده مجاز به اشتغالاتی خواهد شد که با حقوق زوج در تعارض نباشد و چنانچه زن به حرفه ای اشتغال داشته باشد که منافی مصالح خانواده

یا حیثیت زوج یا خودش باشد باید بر اساس ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی از آن دست بردارد. در کشور عراق زوجه بر خلاف منافع خانواده نباشد بیرون رفتن او برای کار نقض تعهدات ازدواجی به شمار نمی‌رود. در مصر ترک زوجه از خانه برای اشتغال نشوز به شمار نمی‌آید، البته تا زمانی که زوجه از این حق سوء استفاده نکند. در یمن نیز زوجه می‌تواند منزل مشترک را برای کار ترک گوید، به شرط آنکه این عمل، ناقض حرمت وی یا وظایف زناشویی و نیز مغایر با رضایت شوهر نباشد. در فیلیپین زوجه نمی‌تواند بدون رضایت شوهر به کاری مشغول شود اما اگر شوهر از دادن اجازه خودداری کند موضوع به شورای داوری ارجاع می‌شود. در سنگال از سال ۱۹۸۹م. و انجام اصلاحات در قانون خانواده، دیگر شوهر نمی‌تواند مانع کار کردن همسر خود شود. بنابراین در مورد اشتغال زن، در اکثر کشورها اذن زوج شرط است. البته به غیر از اذن زوج شروط دیگری را زوجه باید رعایت کند. اما در کشور سنگال زوج نمی‌تواند مانع اشتغال زوجه خود شود.

- سکونت:

ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی اذعان دارد که زن الزاماً باید اقامتگاه شوهر را به عنوان اقامتگاه خود معرفی نماید بر اساس ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنا نماید مگر آن که اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد (قانون مدنی ج. ۱، ۱۳۸۷). شاید به نظر برسد یکی از ملاک‌های تعیین مسکن زن باید توانایی‌های مالی زوج باشد ولی باید گفت اگر کفالت زوجین را تناسب وضعیت اقتصادی آن دو نیز بدانید و تاکید اسلام بر کفالت زوجین در اینجا، این تناسب به معنای بیشتری پیدا می‌کند. فقیهان امامیه با استناد به آیات شریفه قرآن (نساء/۱۰/طلاق/۶) رعایت شئون زن در اختیار منزل اختصاصی را پذیرفته‌اند. ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی حق تعیین محل سکونت را به شوهر واگذار کرده هر چند این حق را به تبع ریاست شوهر بر خانواده دانستیم اما این مورد صرفاً حق شوهر بوده و می‌تواند آن را به زوجه واگذار کند (دادمرزی، ۱۳۹۳: ۱۰۸).

البته طبق ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی، مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن جداگانه‌ای اختیار کند و در صورت اثبات ضرر ذکر شده، محکمه حکم بازگشت زن به منزل شوهر را نخواهد داد و مرد موظف به پرداخت نفقه زن در محل جدید است ضمناً طبق ماده ۱۶۱۱ قانون مدنی تا زمانی که محاکمه بین زوجین در دادگاه خاتمه نیافته باشد محل سکونت زن در صورت عدم توافق طرفین و یا بستگان نزدیک توسط دادگاه تعیین می‌شود. البته طبق ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی در صورتی که در حین عقد زن شرط کند که اختیار تعیین محل سکونت با او باشد مرد موظف است در منزلی که زن تعیین می‌کند سکونت کند. در سنگال حق تعیین مسکن با شوهر است و لازم است زوجه با او زندگی کند، مگر این که قاضی اجازه دهد زوجه مسکن جدا اختیار نماید (روشن، ۱۳۹۳: ۳۶۱). در اتیوپی نیز شوهر منزل مشترک را تعیین می‌کند. در فیلیپین تعیین محل سکونت مربوط به حقوق شوهر است اما در اندونزی محل سکونت دائم، با تصمیم زن و شوهر تعیین می‌شود

(دادمرزی، ۱۳۹۰: ۱۸۷). در مورد مسکن نیز در اغلب کشورها حق تعیین مسکن با شوهر است به استثناء اندونزی که با توافق طرفین انجام می‌شود.

- اجازه زن برای خروج از منزل:

خروج زن از خانه زناشویی چهار فرض دارد:

۱- خروج قهرآمیز و ترک زندگی با حالت نافرمانی از زوج.

۲- خروجی که موجب فوت استمتاع شوهر باشد.

۳- خروج برای انجام اموری که شرعا بر او واجب است.

۴- خروج برای انجام امور مستحب یا مباح بدون نافرمانی یا منافی بودن با استمتاع زوج.

در فرض اول خروج بدون شک حرام است چون مصداق نشوز است. خروج در فرض دوم نیز مخالف تمکین واجب بر زوجه است و بدون اذن زوج جایز نیست. اما خروج در فرض سوم واجب است حتی اگر زوج نهد یا مخالف استمتاع او باشد. ضمن اینکه خروج در فرض چهارم اگر منافی اراده استمتاع زوج نباشد محل اختلاف است (رحمانی، ۱۳۹۱: ۴۶۱-۴۶۲).

بنابراین مصلحت خانوادگی ایجاب می‌کند که خارج شدن زن از خانه با جلب رضایت شوهر و مصلحت اندیشی باشد، البته مرد هم باید در حدود مصالح خانوادگی نظر بدهد نه بیشتر (مطهری، ۱۳۶۱: ۸۸).

بحث و نتیجه گیری

حقوق زن یکی از پردغدغه ترین مباحث در نظام حقوقی اسلام و نظام های حقوقی دیگر می‌باشد و کوشش شده که در محدوده شریعت اسلام به بهترین وجه آن تأمین گردد. ولی متأسفانه در قوانین بعضی از کشورهای اسلامی توجه کمتری به حقوق زن مبذول داشته‌اند. یکی از مهم ترین عوامل نقض حقوق زن در کنار سایر عوامل دیگر در این کشورها، عدم آگاهی مردم از احکام قانون است. قوانین موضوعه در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر پایه فقه امامیه اصلاح یا تدوین شده است. در این مدت تعدیل هایی در حمایت از زنان و خانواده به انجام رسیده است. بنابراین حقوق زنان نیاز به آموختن و نهادینه شدن در طول زمان دارد. مشکل آموختن را شاید بتوان در کوتاه مدت حل کرد اما زنان باید به عنوان شهروند مطالبه گر حق خود از منابع موجود دریافت کنند. مادامی که زنان آگاه نشوند، نمی‌توان امیدی به وقوع تحولی عمیق داشت (احمدی خراسانی، ۱۳۸۴: ۵۰).

بنابراین امتیازات حقوقی زنان بعد از نکاح در کشورهای مورد بررسی عبارت اند از مهریه، اجرت المثل، توارث، نفقه زن، نفقه جنین، حقوق زنان در دوران بارداری و شیردهی، حق حبس، استقلال مالی زن در نکاح، شرط برخورداری از نصف دارایی در صورت طلاق از سوی مرد، طلاق قضایی و فسخ نکاح و محدودیت های آن ها عبارت اند از تمکین، ریاست مرد، اشتغال زن، تابعیت، سکونت و اجازه زن برای خروج از منزل.

بنابراین در ایران و سایر کشورهایی که گفته شد نفقه بر عهده همسر است و خودداری زوج از دادن

نفره موجب محکومیت او می‌شود. فقط در کشور سومالیا هر دو زن و شوهر مکلف به تامین هزینه‌های زندگی می‌باشند. در خصوص بارداری و شیردهی زنان، در ایران و کشورهای هم چون اردن، لبنان، مصر و قطر امتیازاتی برای زنان در نظر گرفته شده است. در مورد تمکین در ایران و هم چنین در اکثر کشورهای زوجه مجبور به تمکین است اما در برخی کشورها مانند سودان و کویت تمکین قابل اجرای اجباری نیست. در اکثر کشورهای شوهر رئیس خانواده است و زوجه باید از او تبعیت کند. در مورد اشتغال زن، در اکثر کشورهای اذن زوج شرط است. البته به غیر از اذن زوج شروط دیگری را زوجه باید رعایت کند. اما در کشور سنگال زوج نمی‌تواند مانع اشتغال زوجه خود شود. در مورد مسکن نیز در اغلب کشورهای حق تعیین مسکن با شوهر است به استثناء اندونزی که با توافق طرفین انجام می‌شود. لذا به نظر می‌رسد با آگاهی زنان از حقوق و امتیازات و شناخت محدودیت‌هایشان، بسیاری از مشکلات و اختلافات بین زوجین مرتفع و یا کاهش می‌یابد. در صورت آگاهی زوجه از مزایا و محدودیت‌های قانونی، با شناخت و معرفت بیشتری وارد زندگی مشترک شده و زمینه سوء استفاده برچیده خواهد شد زیرا جهل و ناآگاهی ریشه اختلافات و عدم تفاهم می‌باشد. هم چنین با آگاهی زنان از مزایای قانونی خود، استحکام بنیان خانواده بیشتر خواهد شد؛ زیرا این آگاهی برای زنان موجب دلگرمی آنها نسبت به قوانین در حیطه خانواده و زندگی مشترک می‌شود.

تعارض منافع: نویسندگان تصریح می‌نمایند در این پژوهش تعارض منافع وجود ندارد. این پژوهش با هزینه محقق صورت گرفته است.

منابع

- قرآن کریم.
- احمدی خراسانی، نوشین. (۱۳۸۴). *زنان زیر سایه پدر خوانده‌ها*. تهران: توسعه.
- استانبولی، ادیب. (۱۹۹۷م). *الصیغ القانونیه لدعاوی الأحوال الشخصیه*. چاپ دوم، دمشق: نشر المكتبة القانونیه.
- اسدی، لیلا سادات، دکتر شاکری، فریده. (۱۳۹۳). *آیین دادرسی امور و دعاوی خانوادگی*. چاپ اول، بیجا: انتشارات جاودانه.
- امامی، اسدالله، صفایی، اسدالله. (۱۳۹۶). *مختصر حقوق خانواده*. چاپ چهارم و هشتم، تهران: انتشارات میزان.
- جزیری، عبدالرحمان. (۱۴۰۶). *الفقه علی مذاهب الاربعه*. چاپ هفتم، بیروت: انتشارات دار الاحیاء التراث العربی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۴). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ هفتم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حبیبی تبار، جواد. (۱۳۸۳). *حقوق خانواده*. چاپ دوم، قم: نشر گام به گام.
- حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن. (۱۳۷۳). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*. تهران: نشر استقلال.
- حمیدیان، حسن. (۱۳۹۰). *مجموعه مقالات حقوق خانواده*. تهران: دادگستر.
- دادمرزی، سید مهدی. (۱۳۹۰). *حقوق اسلامی خانواده*. چاپ اول، انتشارات دانشگاه قم، کمال الملک.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴ق). *مفردات غریب القرآن*. دفتر نشر کتاب.
- رحمانی، امیر. (۱۳۹۱). *بررسی فقهی مدیریت در روابط زن و شوهر*. چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- روشن، محمد. (۱۳۹۳). *حقوق خانواده*. چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- زارعیان، مریم، اردلانی، نفیسه. (تابستان ۱۳۹۶). *آگاهی زنان از حقوق مدنی*. هفت شهر، ۵۸-۵۷ (۴)، ۱۰۷-۱۰۰.
- سیاح، احمد. (۱۳۷۳). *فرهنگ بزرگ جامع نوین*. چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات اسلام.
- صفایی، سید حسین، قاسم زاده، عباس، عراقی، سید عزت الله، صادقی، محمود، امامی، اسدالله، برزوئی، عادل، حمیدزاده، احمد، آهنی، بتول، گرجی، ابوالقاسم. (۱۳۹۲). *بررسی تطبیقی حقوق خانواده*. تهران: انتشار دانشگاه تهران.
- علوی حسینی موسوی، محمد کریم. *کشف الحقایق عن نکت الایات والدقائق*. ترجمه عبد المجید صادق نوبری. (۱۳۹۶ق). چاپ سوم، تهران: انتشارات اقبال.
- فولادوند، محمد مهدی. (۱۴۱۸ ه ق). *ترجمه قرآن کریم*. محقق: هیئت علمی دارالقرآن الکریم، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- *قانون احوال شخصیه سوریه*. (۱۹۱۷).
- *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. (۱۳۶۸).
- *قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران*. (۱۳۸۷).
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷). *مفردات نهج البلاغه*. تهران: قبله.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۲). *حقوق مدنی خانواده*. تهران: بهمن فرمان.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۷۴). *بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن*. چاپ پنجم، تهران: نشر علوم اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷). *نظام حقوق زن در اسلام*. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۱). *مساله حجاب*. قم: جامعه مدرسین.
- مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۰ق). *فقه الامام جعفر صادق علیه السلام*. قم: انتشارات انصاریان.
- ملک زاده، فهیمه. (۱۳۸۶). *تحلیل ماهیت نفقه با رویکرد قوانین کنونی ایران و برخی کشورهای دیگر*. *مطالعات زنان*، ۱(۵)، ۱۲۵-۱۰۷.
- نجفی، محمد حسن. (۱۴۱۲). *جواهر الکلام فی شرح الاسلام*. بیروت: موسسه المرتضوی العالمیه.
- نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۲). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. تحقیق: محمود قوچانی. (۱۳۹۳). چاپ سوم، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

Comparison of Post Marriage Legal Privileges and Restrictions of Women in Iran and Some Islamic Countries

Z. S. Mousavi tabar *

M. Fattahi**

Abstract

The purpose of this study was to compare the legal privileges and restrictions of women after marriage in laws of Iran and some other Islamic countries. The under study universal was women's legal issues and the research sample was women's legal privileges and restrictions declared in the law. The research design was descriptive-analytical. Method of data collection was based on library research. Using data analysis method and based on the findings of this study, the legal privileges of women after marriage in Iran and some Islamic countries were: dowry, retribution, inheritance, alimony, fetal alimony, women's rights during pregnancy and lactation, right of a woman to refuse to perform the duties of marriage, financial independence of a woman in marriage, condition of having half of the property in case of divorce by a man, judicial divorce and their restrictions, included obedience, male presidency, female employment, citizenship, residence and female permission to leave home.

Keywords: legal privileges and restrictions, marriage, Iran, Islamic countries.

* Department of Women Studies, University of Religions and Religions in Qom, Qom, Iran. (Corresponding author, Email: z_b_2013@yahoo.com)

**Assistant Professor, Department of Women and Family, Qom University of Religions, Qom, Iran. (Email: mohsen.fattahi@gmail.com)